



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صفحات ۱۱۲-۸۳

## گونه‌شناسی کارکردهای مراکز علمی و نهادهای مشاوره‌ای در عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی: الگویی جامع و تلفیقی

محمد مهدی ذوالفقارزاده<sup>۱</sup>

استادیار مدیریت سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران

زهره کریمیان

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۵ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۱)

### چکیده

حساسیت‌ها و ملاحظات خاص در حوزه عمومی، تکیه بر پشتوانه دانشی تصمیمات در این حوزه را دو چندان می‌سازد. اما تفاوت‌های بنیادین دو عرصه علمی با عرصه سیاسی و خط‌مشی‌گذاری، انجام پژوهش‌های مرتبط و متناسب را از یک سو و انتقال دانش به فرآیندهای سیاسی و خط‌مشی‌گذاری را از سوی دیگر، همواره با مشکلاتی روبرو می‌سازد که نیازمند شناخت و معماری دقیق فضای ارتباطی میان این دو عرصه و طراحی کارکردهای واسطه‌ای و مشاوره‌ای مفید میان آنهاست. در نوشتار حاضر، ضمن بررسی مفاهیم و نهادهای واسطه‌ای مطرح در حوزه خط‌مشی‌گذاری و توجه به رابطه عرضه و تقاضای دانش در فرآیندهای حاکمیتی، مفاهیم و کارکردهای متنوع و ممکن که از نهادهای واسطه‌ای و مشاوره‌ای در این خصوص وجود دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت، از ترکیب نوآورانه این طبقه‌بندی‌ها، یک گونه‌شناسی جامع و تلفیقی از کارکردهای مذکور بدست می‌آید که در پنج محور «تسهیل دسترسی به پژوهش»، «سازمان‌دهی و مناسب‌سازی پژوهش»، «ترویج گفتگو»، «شبکه‌سازی و دفاع از موضوع» و «افزایش ظرفیت خط‌مشی» خلاصه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** خط‌مشی‌گذاری عمومی، خط‌مشی پژوهی، کاربست پژوهش، نهادهای

واسطه‌ای، مشاوره سالاری

<sup>1</sup> - نویسنده مسئول) Zolfaghar@ut.ac.ir

## ۱- مقدمه

این مسأله که پژوهش چگونه به فرآیند خطمشی‌گذاری مربوط می‌شود، مسأله جدیدی در خطمشی‌گذاری عمومی نیست. در متون مربوط به خطمشی، موضوعاتی چون، فهم چالش‌های انجام پژوهش‌های مرتبط با خطمشی، انتقال نتایج پژوهش‌ها به فرآیندهای حاکمیتی و تشخیص آثار مستقیم و غیرمستقیم پژوهش در فرآیند خطمشی‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تمرکز اولیه پژوهش‌های این حوزه، بر به تصویر کشیدن و توصیف فاصله میان دو جامعه بود: نخست، عالمان علوم اجتماعی یا همان تولیدکنندگان دانش<sup>۱</sup> و دیگری خطمشی‌گذاران یا مصرف‌کنندگان دانش<sup>۲</sup>؛ هر یک با ارزش‌ها و فرهنگ‌های بنیادین متفاوت و البته نه لزوماً نامرتب. بسیاری از این تحقیقات در نقطه شروع، این دیدگاه را داشتند که علوم اجتماعی باید به طور مستقیم برای خطمشی‌گذاران مفید باشد؛ این دیدگاه، معمولاً با «مدل‌های مهندسی استفاده از اطلاعات» شناخته می‌شود و ارزش پژوهش در آن، به تناسب و به موقع بودن آن برای تصمیم‌گیری خطمشی‌گذاران مربوط می‌شود (لیندکوئیست، ۲۰۰۱). با این حال، دیدگاه وایس (وایس، ۱۹۷۹)، نقطه عطفی در ادبیات این حوزه به شمار می‌رود؛ وی به دنبال کشف حالت‌های جایگزین تأثیر پژوهش‌های علوم اجتماعی بود. از منظر وی، پژوهش لزوماً به طور مستقیم به «تصمیم‌های خطمشی» مرتبط نیست، ولی می‌تواند از راه‌های مهم دیگر مانند تغییر گفت‌وگو و برداشت خطمشی‌گذاران و مشاوران آنها به تأثیر لازم دست یابد.

موضوع مهم دیگر در خصوص رابطه دانش و پژوهش با عرصه خطمشی و سیاست، توجه به نقش نهادهای واسطه‌ای<sup>۳</sup> است که به عنوان میانجی، میان تولیدکنندگان دانش و مصرف‌کنندگان دانش قرار می‌گیرند؛ در این میان، مرز بین این نهادها و نفوذپذیری روزافزون در مرزهای میان آنها، اهمیت ویژه‌ای یافته است. هکلو مدعی بود که مشاغل بسیاری از تحلیل‌گران خطمشی به طور فزاینده‌ای از نهادهای خاص جدا شده است؛ کارشناسان معتبر در موضوعات خاص خطمشی، بارها از یک پایگاه سازمانی به پایگاهی دیگر در داخل و خارج از دولت منتقل می‌شوند. در ادامه، لیندکوئیست، یک جامعه سوم<sup>۴</sup> از سازمان‌های داخل و خارج دولت را که نه از خطمشی‌گذاران تشکیل یافته‌اند و نه کاملاً به پژوهش علوم اجتماعی متعهد هستند را شناسایی کرد. اینان، هر چند در تعهد به تولید داده‌ها، تحقیق و تجزیه و تحلیل مرتبط با خطمشی، مشترک هستند؛ اما ممکن است در دولت یا بخش خصوصی قرار گرفته باشند، کار و مخاطبان مختلفی را هدف قرار داده و برای طیف متنوعی از آنها کار کرده باشند

<sup>۱</sup> - knowledge-producers

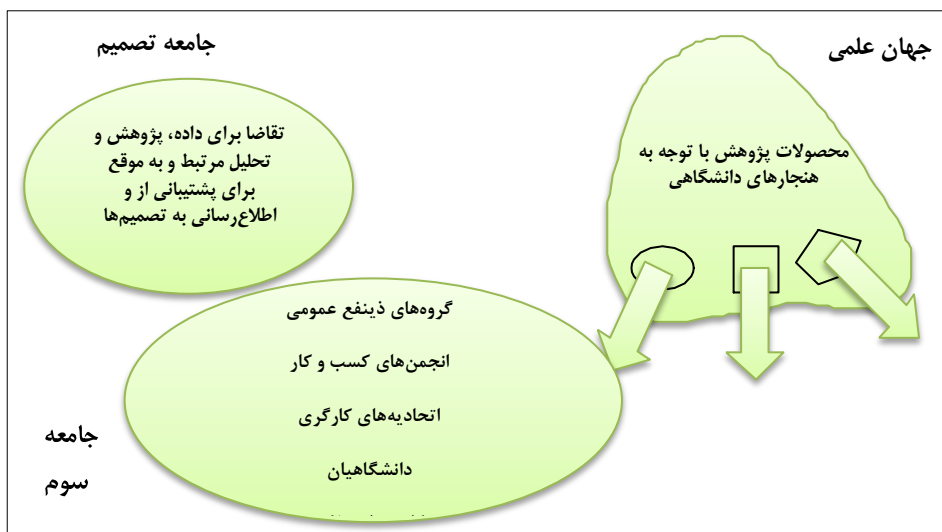
<sup>۲</sup> - knowledge-consumers

<sup>۳</sup> - Intermediary

<sup>۴</sup> - Third Community

و در درجات مختلفی از تمایل به وارد ساختن پژوهش به عرصه خطمشی عمومی، قرار داشته باشند (لیندکوئیست، ۲۰۰۱).

گام مهم دیگر در ادبیات، چارچوب ائتلاف مدافع<sup>۱</sup> ساباتیه<sup>۲</sup> بود که چگونگی رخداد «یادگیری خطمشی محور» را مدل می‌کرد. هنگامی که یافته‌های پژوهشی به فرآیند خطمشی‌گذاری وارد می‌شوند، توسط باورها و ارزش‌های رقابتی شکل‌دهی شده و می‌بایست با آنها مبارزه کنند. هم‌چنین، «ائتلاف‌های حمایتی یا رقابتی» در هر حوزه خطمشی می‌بایست مشخص شوند و معین گردد که آیا پژوهش و تحلیل خطمشی مرتبط یا مستقل از این ائتلاف‌ها هستند. در واقع در این چارچوب، پژوهش و نهادهای مرتبط آن می‌توانند به عنوان نیروهای واسطه در تعارضات خطمشی عمل کنند. البته، ارزیابی نقش پژوهش در فرآیند خطمشی تا زمانی که حداقل برای یک دهه حوزه خطمشی مدنظر پایش نشود، دشوار خواهد بود (ساباتیه، ۱۹۸۸). می‌توان شبکه نقش‌آفرینان خطمشی متشکل از سه رکن تولیدکنندگان دانش، مصرف‌کنندگان دانش و جامعه سوم را به صورت شکل ۱ نشان داد.



شکل ۱- جامعه سوم و شبکه نقش‌آفرینان خطمشی (لیندکوئیست، ۲۰۰۱).

نهادهای جامعه سوم که در ادبیات خطمشی‌گذاری عمومی از آنان با عنوان نهادهای واسطه<sup>۳</sup> (فیشر، ۲۰۱۰) یا کارکنان مرزی<sup>۴</sup> (هوپ، ۲۰۱۰) نام برده می‌شود، بر اساس معیارهای

<sup>۱</sup> - Advocacy Coalition Framework

<sup>۲</sup> - Paul Sabatier

<sup>۳</sup> - Intermediaries

<sup>۴</sup> - Boundary Workers

مختلفی قابل دسته‌بندی بوده و نیازمند شایستگی‌های متفاوتی هستند. هدف این مقاله، شناسایی این معیارها و شایستگی‌هاست. بر این اساس نوشتار حاضر، با مرور جامع مفاهیم مربوط به نهادهای واسطه‌ای و میانجی در حوزه خط‌مشی و کارکردهای متنوع آنها در خط‌مشی‌گذاری عمومی، گونه‌شناسی جامعی پیرامون این کارکردها ارائه می‌دهد. در نهایت، مصادیق نهادهای واسطه‌ای رایج، شناسایی شده و به همراه تعدادی از دسته‌بندی‌های موجود در آثار مرتبط ارائه می‌گردد. از آنجا که در ایران، ارتباط میان عرصه پژوهش و خط‌مشی به تبع چالش‌های ارتباط دانشگاه و دولت، هنوز در آغاز راه است، توجه به این گونه‌شناسی‌های جامع، زمینه را برای آشنایی هر چه بهتر فعالان هر دو عرصه برای ایجاد و توسعه چنین نهادهای واسطه‌ای، بسیار هموار خواهد ساخت و به وسعت دید و افق کار ایشان به مراتب خواهد افزود.

## ۲- پیشینه پژوهش

همان‌طور که ذکر گردید، نهادهای واسطه در خط‌مشی‌گذاری در پاسخ به این سؤال که پژوهش<sup>۱</sup> چگونه به فرآیند خط‌مشی‌گذاری مربوط می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین تعدادی از چارچوب‌های این حوزه نیز معرفی شدند. در پاسخ به این سؤال، صاحب‌نظران از مفاهیم نظری و کلیدواژگان متنوعی بهره جستند: برقراری ارتباط علم با خط‌مشی<sup>۲</sup> (گرگریچ، ۲۰۰۳)، میانجی‌گری علم و خط‌مشی<sup>۳</sup> (انگلس، ۲۰۰۵)، تعامل علم و خط‌مشی<sup>۴</sup> (مگنوزوسکی و همکاران، ۲۰۱۰)، پل زدن میان پژوهش و خط‌مشی<sup>۵</sup> (استون و همکاران، ۲۰۰۱)، پیوند میان پژوهش و خط‌مشی<sup>۶</sup> (عبدالرحمن، ۲۰۰۵)، کاربری دانش<sup>۷</sup> (لیندکوئیست، ۲۰۰۱)، کاربری پژوهش<sup>۸</sup> (وایس، ۱۹۷۹)، یادگیری خط‌مشی<sup>۹</sup> (بنت و هاولت، ۱۹۹۲)، خط‌مشی‌پژوهی<sup>۱۰</sup> (هرد، ۲۰۰۵؛ ارسزین و کار، ۲۰۰۸)، خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد<sup>۱۱</sup> (هاولت و نیومن، ۲۰۱۰)، جنبه‌های سیاسی دانش<sup>۱۲</sup> (گروندمان و استر، ۲۰۱۲) و توصیه

<sup>۱</sup> - در منابع مختلف از واژه‌های متفاوتی از قبیل پژوهش (*Research*)، تفحص (*Inquiry*)، علم (*Science*) و دانش (*Knowledge*) در این حوزه استفاده شده است.

<sup>۲</sup> - *Communicating Science to Policy*

<sup>۳</sup> - *Science-Policy Interface*

<sup>۴</sup> - *Policy Science Interaction*

<sup>۵</sup> - *Bridging Research and Policy*

<sup>۶</sup> - *Research-Policy Linkage*

<sup>۷</sup> - *Knowledge Utilization*

<sup>۸</sup> - *Research Utilization*

<sup>۹</sup> - *Policy Learning*

<sup>۱۰</sup> - *Policy Research*

<sup>۱۱</sup> - *Evidence-Based Policy-Making*

<sup>۱۲</sup> - *Politics of Knowledge*

خط‌مشی<sup>۱</sup> (لنتج و وینگارت، ۲۰۱۱) از این جمله‌اند. در هریک از این حوزه‌ها، واسطه‌گری یا ارتباط دانش و پژوهش با عرصه خط‌مشی و سیاست، از اهمیت متفاوتی برخوردار است و کارکردهای گوناگونی برای آن در نظر گرفته می‌شود. از فراهم نمودن دانش مرتبط با خط‌مشی<sup>۲</sup> برای تصمیم‌گیران تا دفاع تمام‌قد از یک تصمیم خاص با استفاده از ابزار قدرتمند دانش و پژوهش.

به عنوان نمونه، تمرکز اصلی مدل‌های «کاربست پژوهش» بر اهداف و چگونگی استفاده از کارهای پژوهشی است (آمارا و اتال، ۲۰۰۴). به طور کلی، سه گونه استفاده ابزاری<sup>۳</sup>، مفهومی<sup>۴</sup> و نمادین<sup>۵</sup> را در خصوص استفاده از نتایج پژوهشی می‌توان در نظر گرفت (اندرسون و همکاران، ۱۹۹۹؛ بیر، ۱۹۹۷؛ اینوئر و همکاران، ۲۰۰۲؛ لاویس و همکاران، ۲۰۰۳). در استفاده ابزاری که به نوعی قدیمی‌ترین نوع کاربرد پژوهش است، تأکید صرفاً بر یک موضوع پژوهشی خرد و خاص است که به صورت مستقیم به حل یک مشکل پرداخته و از نتیجه آن در این زمینه استفاده می‌شود (بیر، ۱۹۹۷). از این رو وایس به عنوان یکی از پیشگامان مباحث کاربرد پژوهش، از این نوع استفاده با عنوان مدل حل مسأله<sup>۶</sup> نیز یاد می‌کند (وایس، ۱۹۷۹). در این نوع استفاده و مدل‌های متناظر با آن فرض می‌شود که با افزایش تعداد انتشارات و تمرکز بر نیازهای تصمیم‌گیرندگان و خط‌مشی‌گذاران به جای تمرکز بر پیشرفت دانش تخصصی، میزان کاربرد پژوهش‌ها افزایش می‌یابد. این نوع استفاده اگرچه در عمل کمتر به کار می‌آید، اما بررسی پیشینه‌ای نشان می‌دهد که گونه غالب‌تری در کاربرد پژوهش است (کبیری، ۱۳۸۸). استفاده مفهومی که با اندکی تفاوت از آن با عنوان روش‌نگری<sup>۷</sup> نیز یاد می‌شود (کبیری، ۱۳۸۶)، برخلاف استفاده ابزاری بر کاربرد مستقیم و فوری از نتایج پژوهش‌ها دلالت نداشته، بلکه بر تغییر طرز تفکر و نگرش خط‌مشی‌گذاران تأکید دارد و چنین پیش‌فرضی دارد که با تغییر نگرش و روش تفکر ایشان در جهت نتایج حاصل از پژوهش، می‌توان تغییر جهت تصمیم‌گیری خط‌مشی‌گذاران را در راستای مد نظر پژوهش‌های انجام گرفته انتظار داشت (کبیری، ۱۳۸۸). در واقع، تأثیر این نوع استفاده بیشتر ناظر بر «هدایت غیر مستقیم» است که به صورت تدریجی<sup>۸</sup> و در گذر زمان، جهت‌گیری‌های کاربران و یا حتی سایر پژوهشگران یک حوزه علمی را تغییر می‌دهد (ساباتیه و وایبل، ۲۰۰۷؛ وبر، ۱۹۹۱)؛ به طوری که استعاره

<sup>1</sup> - Policy Advice

<sup>2</sup> - Policy Relevant Knowledge

<sup>3</sup> - Instrumental use

<sup>4</sup> - Conceptual use

<sup>5</sup> - Symbolic use

<sup>6</sup> - Problem solving model

<sup>7</sup> - Enlightenment

<sup>8</sup> - Incremental

«خزیدن»<sup>۱</sup> برای تبیین تأثیرگذاری این گونه از کاربردهای پژوهش، مناسب به نظر می‌رسد (شرایروی، ۲۰۰۵). روشنگری، آگاهی‌بخشی و تبیین افق‌های جدید (بیر، ۱۹۹۷؛ جانسون، ۱۹۹۸) و سهمی شدن در دانش و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های موجود در ذهن تصمیم‌گیرندگان و پژوهشگران (وایس، ۱۹۷۷) از جمله کاربردهای مهم این نوع استفاده از پژوهش‌هاست. از این رو این نوع استفاده، بیشتر در سطوح کلان اثرگذار است، ضمن آنکه اگرچه این اثرگذاری زمان‌بر، اما پایدارتر و ماندگارتر خواهد بود (نیلسون، ۲۰۰۱)، اما استفاده نمادین، به نوعی استفاده‌ای نابه‌جا و با اغراض سیاسی از پژوهش است که در آن از پژوهش‌ها به منظور توجیه تصمیمات و وضعیتی که از قبل و به دلایلی دیگر اتفاق افتاده، استفاده می‌شود (جانسون، ۱۹۹۸). در واقع، این نوع استفاده، ناظر بر کاربرد سیاسی (برای توجیه تصمیمات) و تاکتیکی (برای متقاعد ساختن مخالفان) از پژوهش است (لاویس و همکاران، ۲۰۰۳).

اینکه چه عواملی باعث می‌شود تا نتایج یک پژوهش در فرآیند خط‌مشی مورد استفاده قرار گیرد نیز از موضوعات جالب توجه در متون مرتبط با این حوزه است (حمیدی‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۹۳). هر چند، تمایز میان دو جامعه خط‌مشی‌پژوه (مراکز علمی و مشاوره‌ای) با خط‌مشی‌گذار (نهادهای قانونی و سیاسی) توسط نویسندگان، مورد تأکید قرار گرفته است (نامداریان، ۱۳۹۵)، اما نظرات متفاوت و جالب دیگری هم در این خصوص وجود دارد. به عنوان مثال، نیومن و همکاران این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا واقعاً خط‌مشی‌گذاران از پژوهش استفاده می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال با بررسی تجربی بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارکنان خط‌مشی‌گذاری در استرالیا و با انجام ۱۲۶ مصاحبه عمیق با کارکنان بخش عمومی، نظریه تمایز «دو جامعه»<sup>۲</sup> دانش‌پژوهان و خط‌مشی‌گذاران را گمراه‌کننده دانسته و معتقدند که تعریف طیف‌های متنوعی از تعامل میان خط‌مشی‌گذاران و دنیای آکادمیک (به این معنا که در آن هر خط‌مشی‌گذار میزان ارزش‌گذاری و استفاده خاص خود از پژوهش دانشگاهی را دارد)، تعریف معقول‌تری از بکارگیری پژوهش در فرآیند خط‌مشی‌گذاری خواهد بود. هر چند این رابطه و تعامل در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، با جدایی اجزاء سیاسی از اداری، پیچیده‌تر نیز می‌شود (نیومن و همکاران، ۲۰۱۶). بنکس، در این زمینه بیان می‌دارد که بکارگیری پژوهش‌های سیاستی به شدت با مکان و زمان انجام آن مرتبط است. هم‌چنین، مهم‌ترین عامل در این مسئله را برداشت تصمیم‌گیران از نقش خودشان در فرآیند تصمیم‌گیری می‌داند. در نهایت معتقد است، پژوهش‌ها بیش از آن چه پژوهشگران فکر می‌کنند در خط‌مشی‌گذاری مؤثر است (بنکس، ۲۰۱۵). مارتین، برای افزایش تأثیر پژوهش در خط‌مشی‌گذاری، رویکردهایی عملی را معرفی می‌کند. وی معتقد است که دولت‌ها نیازمند آن هستند تا ظرفیت

<sup>۱</sup>- Creeping

<sup>۲</sup>- Tow Communities

جذب<sup>۱</sup> خود را با مهارت‌افزایی کارکنان دولت افزایش دهند تا آنها بتوانند پژوهش‌های دقیقی انجام داده و آنها را وارد تصمیمات کنند. هم‌چنین سرمایه‌گذاری در جهت تقویت «بافت‌های هم‌بند<sup>۲</sup>» که دنیای نظر و عمل را با یکدیگر پیوند می‌دهند، از دید وی ضرورتی انکارناپذیر برای ارتباط میان پژوهش و مشاوره با خط‌مشی‌گذاری است (مارتین، ۲۰۱۶). گانتز و همکاران با موردکاوی خط‌مشی‌گذاری آموزشی در انگلیس، مفهومی بدیع با عنوان «مشاوره سالاری<sup>۳</sup>» را معرفی نموده و بیان می‌کنند که نقش مشاوران و مشاوره به شدت در بخش عمومی افزایش یافته است تا حدی که مشاوران غیرمنتخب جایگزین مباحثاتی شده‌اند که پیش از این سیاستمداران پاسخگو به عامه، بر عهده داشته‌اند. این مسئله اهمیت توجه به فرآیندهای سیاسی را در ارائه مشاوره‌های سیاستی برجسته نموده و مشروعیت و موقعیت فراهم آمده توسط نهاد عمومی خط‌مشی‌گذار را در فرآیند تأثیر و تبادل دانش، مهم بر می‌شمارد (گانتز و همکاران، ۲۰۱۵).

به لحاظ تجربی نیز، در کشورهای مختلف می‌توان نمونه‌های موفقی از تأثیرات این نهادهای واسطه‌ای و مشاوره‌ای پیدا کرد. به طور خاص در حوزه‌های چندبخشی و فرابخشی که اغلب مملو از ذینفعان متعدد و مسائل بگرنج<sup>۴</sup> است، وجود این نهادها می‌تواند به میزان قابل توجهی بر کیفیت تصمیمات سیاستی بیفزاید. به عنوان مثال، در حوزه فرابخشی نوآوری، مثال‌های متعددی از نهادهای واسطه‌ای موفق در خط‌مشی‌گذاری می‌توان نام برد (هاولز، ۲۰۰۶). وینووا در سوئد، انور در ایتالیا و مرکز مدیریت و مطالعات راهبردی در علم در برزیل<sup>۵</sup> از آن دسته‌اند. هم‌چنین خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌هایی مانند محیط زیست و سلامت (هیچمن، ۲۰۱۰)، کشاورزی (کلرکس و لوییس، ۲۰۰۹)، مدیریت منابع آب (سپسند و همکاران، ۲۰۰۷) و آموزش (هانینگ، ۲۰۰۴) بخش قابل توجهی از موردکاوی‌های مرتبط با نهادهای واسطه‌ای موفق در خط‌مشی‌گذاری را نشان می‌دهند. برخی نهادها از این منظر کارکردهای واسطه‌ای، مورد بررسی بیشتر قرار گرفته‌اند که می‌توان از آن جمله به مؤسسه توسعه آلمان<sup>۶</sup> در حوزه خط‌مشی‌گذاری اقتصادی، مرکز مطالعات و آینده‌نگاری راهبردی فرانسه<sup>۷</sup> در حوزه خط‌مشی‌گذاری کشاورزی، مؤسسه اقتصاد انرژی کره جنوبی<sup>۸</sup> در حوزه انرژی و مؤسسه تحقیقاتی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن<sup>۹</sup> در حوزه مرتبط با امور تجاری و صنعتی اشاره نمود.

<sup>۱</sup> - absorptive capacity

<sup>۲</sup> - connective tissues

<sup>۳</sup> - Consultocracy

<sup>۴</sup> - Wicked Problem

<sup>۵</sup> - Center for Strategic Studies and Management in Science

<sup>۶</sup> - The German Development Institute (DIE)

<sup>۷</sup> - The Center for Studies and Strategic Foresight (CEP)

<sup>۸</sup> - The Korea Energy Economics Institute (KEEI)

<sup>۹</sup> - Research Institute of Economy, Trade and Industry (RIETI)

پیلک بیان می‌نماید که نمی‌توان علم را به عنوان یک فعالیت دور از سیاست و خط‌مشی دید؛ بلکه باید به عنوان یک منبع کلیدی برای تسهیل تصمیمات پیچیده که درگیر منافع در حال رقابت در جامعه هستند، نگریسته شود. از نظر وی، در یک سو با استناد به اقتدار تاریخی علم، دفاع از موضوع<sup>۱</sup> قرار دارد و در سوی دیگر تمرکز بر موضوعاتی که می‌توانند توسط دانش حل و فصل شوند که ممکن است در سوالات مطرح شده توسط تصمیم‌گیران یا مباحثات بین تصمیم‌گیران ریشه داشته باشد (پیلک، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر اینکه در هر مسئله‌ای در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، کدام‌یک از انواع واسطه‌گری مطلوب است، به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها «نوع مسئله» است (لنتج و وینگارت، ۲۰۱۱؛ هوپ، ۲۰۱۰؛ پیلک، ۲۰۰۷؛ ماسن و وینگارت، ۲۰۰۵). در واقع، با توجه به دو معیار اجماع بر ارزش‌های موجود و اجماع بر دانش مرتبط، مسائل، قابل دسته‌بندی به چهار دسته مسائل ساختاریافته<sup>۲</sup>، مسائل ساختاریافته<sup>۳</sup>، اندکی ساختاریافته<sup>۴</sup> و ساختاریافته ضعیف<sup>۵</sup> می‌باشند که هر یک از انواع آن، نیاز به کارکردهای واسطه‌گری خاصی دارند (جدول ۱).

جدول ۱- انواع چهارگانه مسائل خط‌مشی و تأثیر آنها بر کارکرد علم در خط‌مشی‌گذاری و رویکرد

واسطه‌گری (لنتج و وینگارت، ۲۰۱۱؛ ماسن و وینگارت، ۲۰۰۵)

بله	خیر	اجماع بر سر ارزش‌های موجود
		اجماع بر سر دانش مرتبط با خط‌مشی
اندکی ساختاریافته دانش به عنوان مدافع وارد عمل می‌شود. رویکرد واسطه‌گری: جلسات خبرگی، حقیقت‌یابی مشترک	ساختاریافته کارکرد دانش پیدا کردن مسأله است. رویکرد واسطه‌گری: (یادگیری) گفتگو و استدلال، حقیقت‌یابی مشترک و غیره	خیر
ساختاریافته دانش، حل‌کننده مسأله است. رویکرد واسطه‌گری: تطابق عرضه و	ساختاریافته ضعیف دانش، برقراری ارتباطات را برعهده دارد.	بله

<sup>1</sup> - Issue Advocacy

<sup>2</sup> - Unstructured Problem

<sup>3</sup> - Structured Problem

<sup>4</sup> - Slightly Structured Problem

<sup>5</sup> - Poorly Structured Problem



تقاضای دانش؛ فضاسازی برای دانش	رویکرد واسطه‌گری: جهت‌گیری ارزش‌ها را صریح‌تر می‌کند و به دنبال امکان مصالحه و آشتی است.	
--------------------------------	--	--

اشاره شد که واسطه‌گری میان پژوهش و خط‌مشی با رویکردهای گوناگونی قابل انجام است. این رویکردهای گوناگون، هر یک کارکردهایی را برای واسطه‌گری ایجاد می‌کنند که این کارکردها با عناوین و ویژگی‌های مختلفی در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی معرفی گردیده‌اند. هایند، دسته‌بندی جامعی از این مفاهیم و کارکردهای واسطه‌ای ارائه داده است (هایند، ۲۰۱۳) که بخشی از آن در جدول ۱ آمده است. نگارندگان با مرور گسترده‌تر ادبیات، مفاهیم و کارکردهای مشابه دیگری را نیز شناسایی نموده و آن را به یافته‌های هایند افزوده‌اند. خلاصه این مرور ادبیات و جمع‌آوری کلیه مفاهیم متصور در این خصوص، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مروری جامع بر مفاهیم مورد استفاده و کارکردهای واسطه‌گری و مشاوره‌ای در خط‌مشی‌گذاری عمومی

نویسنده و سال	مفهوم	تعریف	کارکردهای واسطه‌های کارآمد
(ولف و ایشیتو، ۲۰۰۶)	واسطه	باز یگرانی که در فرآیند تولید، تفسیر، سازماندهی یا منتقل کردن اطلاعات برای یک هدف خاص و برای یک گروه خاص مشارکت می‌کنند	انتشار اطلاعات / ارائه پلت فرم برای دیدگاه‌های چندگانه / ایفای نقش مدافعه و لابی برای گروه‌ها و یا مسائل خاص / تعامل تسهیل و تولید بحث و گفتگو در میان ذینفعان در پژوهش برای چرخه خط‌مشی‌گذاری / کمک به فرآیندهای یادگیری متقابل
	واسطه اطلاعات <sup>۱</sup>	واسطه‌هایی که با تولید، پالایش، ویرایش و انتقال اطلاعات مواجه هستند.	
	واسطه دانش <sup>۲</sup>	واسطه‌هایی که با تعاملات با بهره‌برداران نهایی، جهت اطمینان از دست‌یابی به فرآیند فهم، از طریق یادگیری مشارکتی مواجه هستند.	

1- Information Intermediary

2- Knowledge Intermediary

ایجاد دسترسی به پژوهش / عمل کردن به عنوان مخزن اطلاعات / سازماندهی اطلاعات جهت در دسترس تر شدن / خلاصه کردن و ترکیب کردن تحقیقات جهت ترجمه و متناسب سازی آن با نیازهای خط مشی گذار / طرفداری / تسهیل گفتگو و تبادل نظر / تسهیل تعامل بین خط مشی گذاران و پژوهشگران	بازیگرانی که در فرآیند تولید، تفسیر، سازماندهی یا منتقل کردن اطلاعات برای یک هدف خاص و برای یک گروه خاص مشارکت می کنند.	واسطه	(فیشر و وگل، ۲۰۰۸)
	آنها با در دسترس بودن، ساختاردهی و بسته بندی اطلاعات مواجه هستند.	واسطه اطلاعات	
	آنها بعلاوه با تعامل با ذینفعان جهت مشارکت در تفسیر اطلاعات و استفاده از آن جهت تولید همکارانه دانش جدید مواجه هستند.	واسطه دانش	
آگاه سازی توسط انتشار اطلاعات / فعال کردن و نگهداری دسترسی به اطلاعات / مطبوع تر ساختن اطلاعات برای مخاطبان / لینک کردن و تخصیص تخصص به نیاز / ایجاد تقاضا برای استفاده از دانش / حمایت از نظرات به حاشیه رانده شده / همکاری کوتاه و دراز مدت / تقویت انعطاف پذیری نهادها / فعال کردن پاسخگویی، تشویق تغییرات اجتماعی و یادگیری اجتماعی	واسطه های اطلاعات با ایجاد قابلیت دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف مواجه بوده و در آگاهی بخشی، انباشت، ترجمه و آشکارسازی اطلاعات مشارکت دارند.	واسطه اطلاعات	(فیشر، ۲۰۱۰)
	به افراد در فهم و بکارگیری اطلاعات کمک می کنند و در انتشار، ترجمه و انتقال دانش مشارکت دارند.	واسطه دانش	
	کارگزاران دانشی به ارتقای استفاده از دانش مربوط هستند.	کارگزاران دانشی	
	کارگزاران نوآوری با تغییر زمینه ها روبرو هستند.	کارگزاران نوآوری	
تولید اطلاعات مناسب برای مخاطبان از طریق محصولات ترکیب گونه کوتاه، مانند خلاصه سیاستی/ترویج گفتگوهای فراگیر، تعامل و بحث بین محققان، خط مشی گذاران، سایر ذینفعان و درگیر کردن عموم مردم/تقویت ظرفیت خط مشی گذاران با کمک به دسترسی به و تفسیر طیف وسیعی از شواهد معتبر/شبکه سازی با تولید کنندگان دانش و دیگر واسطه ها	بازیگرانی که درک بین پژوهشگران و جوامع خط مشی و بعلاوه عموم مردم برای ارتقای استراتژی های خط مشی کارآمد و حساس به زمینه را واسطه گری می کنند.	واسطه دانش	(چونز و همکاران، ۲۰۰۹)

(فایک، ۲۰۰۹)	کارکنان مرزی <sup>۱</sup>	سازمان‌ها یا افرادی که فاصله بین دانش و خط‌مشی را جهت تسهیل انتقال شواهد مرتبط با خط‌مشی و جریان دو سویه اطلاعات بین پژوهش‌گران و خط‌مشی‌گذاران متصل می‌کنند.	آگاه‌سازی تصمیم‌گیرندگان با انتشار هدف‌مند داده / وصل نمودن و تسهیل ارتباطات مناسب بین تصمیم‌گیرندگان و پژوهش‌گران / درگیر نمودن ذینفعان مرتبط و تسهیل همکاری بین آنها و تصمیم‌گیرندگان / ظرفیت‌سازی از طریق فعالیت‌هایی مانند مدیریت مشارکتی، یافتن واقعیت‌های مشترک و تولید همکارانه دانش
(پیلک، ۲۰۰۷)	مدافع موضوع	مدافع موضوع بر دلالت پژوهش برای یک دستور کار سیاسی مشخص تمرکز دارد.	پررنگ کردن یک گزینه نسبت به سایر گزینه‌ها برای خط‌مشی‌گذار / درگیر شدن صریح و آشکار با گزینه‌های خط‌مشی
	واسطه علم <sup>۲</sup>	واسطه علم به دنبال تمرکز بر موضوعاتی که می‌توانند توسط دانش حل و فصل شوند است که ممکن است در سوالات مطرح شده توسط تصمیم‌گیران یا مباحثات بین تصمیم‌گیران ریشه داشته باشد.	عمل به عنوان یک منبع اطلاعات / پاسخگویی به سؤالات مشخص خط‌مشی‌گذار
	کارگزار صادق <sup>۳</sup> (پیلک، ۲۰۰۷)	به دنبال ادغام دانش علمی با دغدغه‌های ذینفعان است و با شفاف‌سازی و تلاش برای گسترش محدوده انتخاب در دسترس تصمیم‌گیران در تصمیم‌گیری درگیر می‌شود.	گسترش محدوده انتخاب برای تصمیم‌گیر و اجازه به وی برای کاهش این محدوده بر مبنای ترجیحات و ارزش‌های خود / درگیر شدن صریح و آشکار با گزینه‌های خط‌مشی
(یور و استیونز، ۲۰۰۱)	سازمان‌های جایگزین مشورتی خط‌مشی <sup>۴</sup>	منابع نهادی تخصص خط‌مشی برای خط‌مشی‌گذاران که هم به تأمین تخصص و هم به تأثیرگذاری تخصص بر خط‌مشی مبادرت می‌ورزند.	ایجاد اجماع و هماهنگی میان ذینفعان / ایجاد دسترسی به خط‌مشی‌گذاران کلیدی / ارائه توصیه‌های مستقل / پاسخگویی سریع و مطمئن به دستور کار دولت / ساختن اعتبار نزد خط‌مشی‌گذاران و مردم / تا انتها دنبال کردن توصیه خط‌مشی

1- Boundary Workers

2- Science Arbiter

3- Honest Broker

4- Alternative Policy Advisory Organization

<p>مدیریت دانش / ارتباطات و تبادل نظر / ظرفیت‌سازی</p>	<p>یک فرد، سازمان یا ساختار که نقش آن در دسترس‌تر نمودن پژوهش و عمل برای دیگران است و در این میان به دنبال رابطه‌ای متعادل میان پژوهش و عمل است.</p>	<p>کارگزاران دانشی</p>	<p>(وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کلارمر و همکاران، ۲۰۰۶)</p>
<p>کنار هم جمع کردن مردم برای ساخت پیوند و به اشتراک گذاشتن نظرات / شناسایی شکاف‌ها و نیازهای اطلاعات / بکارگیری اطلاعات برای حل مشکلات / کمک به گروه‌ها برای برقراری ارتباط و درک نیازها و توانایی‌های یکدیگر / راهنمایی مردم به منابع پژوهش</p>	<p>کارگزاری دانش توسط واسطه‌ها در وساطت بین منابع دانش و کاربران دانش (علم و پژوهش) انجام می‌گیرد.</p>		
<p>سازمان‌دهی و مدیریت انجمن‌های مشترک برای خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران / ساختن روابط اعتماد / تعیین دستورالعمل‌های کاری و اهداف مشترک / آشکارسازی فرصت‌های متقابل / مشخص نمودن نیازهای اطلاعات / راه‌اندازی پژوهش‌های دارای ارتباط زیاد با خط‌مشی / تسهیل دسترسی به شواهد / تقویت ظرفیت برای ترجمه دانش / مرتبط نمودن و به اشتراک گذاری مشورت / پایش تاثیر بر شکاف دانش - عمل</p>	<p>کارگزار دانش، نهادی است که بر سازماندهی فرآیند تعاملی بین تولیدکنندگان و استفاده کنندگان دانش جهت تولید همکارانه گزینه‌های شدنی و بهره‌مند از پژوهش خط‌مشی تمرکز دارد. کارگزاری دانش، فرآیندی دو طرفه است که اهداف زیر را دنبال می‌کند: ۱- ترغیب خط‌مشی‌گذاران به متعهد بودن بیشتر به یافته‌های پژوهشی و ۲- تحریک پژوهشگران برای انجام پژوهش مرتبط با خط‌مشی و ترجمه یافته‌ها جهت معنادار بودن برای خط‌مشی‌گذاران</p>		

<p>تقویت همکاری / ایجاد اعتماد و گفتگو / فعالیت‌های تبادل با استفاده از اطلاعات حاصل از پژوهش / تعامل استوار و منظم در طول یک مدت طولانی / سازمان‌دهی شبکه‌ها و جوامع خط‌مشی رسمی و غیر رسمی با منافع مشترک، اعتماد و تعامل اجتماعی / تلفیق نمودن بازیگران از جریان‌های مختلف / اتصال به انجمن‌های خط‌مشی ملی و منطقه‌ای</p>	<p>کاتالیزورها نقشی محوری در اتصال جریان‌های خط‌مشی (مد نظر کینگدون) با مشروعیت بخشی، گفتگوی موثق با افراد هریک از جریان‌های چندگانه خط‌مشی و ایجاد نمودن فرصت‌های استراتژیک برای بهره‌برداری از دانش ایفا می‌کنند. بسته به این که خاستگاه آنها کدام یک از جریان‌های خط‌مشی باشد، هریک از انواع معرفی شده خواهند بود.</p>	<p>کاتالیزورهای دانشی برای خط‌مشی و عمل<sup>۱</sup> شامل پژوهشگران فعال<sup>۲</sup>، کارگزاران نهادی<sup>۳</sup> و کارآفرینان خط‌مشی<sup>۴</sup></p>	<p>(لونسون، ۲۰۱۰)</p>
<p>تسهیل مرزگستری‌های منظم بین سیاست و علم در فضای اعتماد تقابل / بهره‌برداری از فرصت‌ها برای یادگیری سودمند / تأیید و آزمودن خطوط استراتژیک خط‌مشی و مفروضات اساسی باورهای خط‌مشی / فراهم نمودن هوشمندی مبتنی بر شواهد که به معنای اطلاعات مبتنی بر علم در دسترس و قابل استفاده است / پوشش دادن مرز بین تحلیلگران خط‌مشی و خط‌مشی‌گذاران / خلق و نهادینه نمودن الگوهای تعامل و نقش‌های پایدارتر جهت اینکه دانشمندان و خط‌مشی‌گذاران در گفتگوی بهره‌ور و باز و ارزیابی یکپارچه منافع و مضار و عدم قطعیت‌ها درگیر شوند</p>	<p>متخصصانی که مشاوره آنها به طور همزمان علم و خط‌مشی عمومی را هماهنگ و تعیین مرز می‌کند.</p>	<p>کارکنان مرزی</p>	<p>(هوپ، ۲۰۰۹)</p>
<p>تغییر واژگان و چارچوب تفسیری خط‌مشی‌گذاران در درازمدت / ترکیب و بازچارچوب‌بندی دانش موجود / ارائه کانال‌های ارتباطی با خط‌مشی‌گذاران / روشن نمودن منافع ذینفعان مختلف / فراهم نمودن مشروعیت برای قوانین و مقررات آینده / تغییر سیستم‌های باور و</p>	<p>واسطه بین پژوهشگران اصلی یا تولیدکنندگان دانش و خط‌مشی‌گذاران که از دانش استفاده می‌کنند ولی زمان و تعلیم کافی برای جذب پژوهش اصلی را ندارند.</p>	<p>کارگزاران دانشی</p>	<p>(اوتنر و راینز، ۱۹۹۹)</p>

<sup>۱</sup> - Knowledge to Policy or Practice Catalysts

<sup>۲</sup> - Activist Researchers

<sup>۳</sup> - Institutional Brokers

<sup>۴</sup> - Policy Entrepreneurs

چارچوب‌های خط‌مشی در درازمدت / انتقال ایده‌ها / تلاش مستمر برای دسترسی بیشتر مردم به اطلاعات / گشودن جوامع خط‌مشی برای حوزه‌های مغفول / ترویج ایده‌های پژوهشگران و نهادهای آکادمیک / تولید مفاهیم جدید و کارآفرینی برای آنها	به صورت پیش‌دستانه‌تر از کارگزاران دانشی، کارآفرینان خط‌مشی به دنبال سرمایه‌گذاری منابع در طی زمان جهت پیش‌برد پروپوزال‌ها یا مسائل هستند.	کارآفرینان خط‌مشی
	تحلیلگران خط‌مشی چنانچه به دنبال این باشند که نتیجه‌گیری‌های آنها بیشترین تأثیر را داشته باشد، ممکن است لازم باشد که به عنوان مدافعان متقاعد کننده، به سمت مشکلات خیز بردارند.	مدافع متقاعد کننده <sup>۱</sup>

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، تحلیلی - توصیفی است و در آن از گونه‌شناسی<sup>۲</sup> و بررسی اسنادی<sup>۳</sup> استفاده شده است. در پژوهش اسنادی به عنوان روشی کیفی، پژوهشگر، داده‌های پژوهشی خود را در خصوص موضوع مورد مطالعه، از میان منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند و در آن تلاش می‌کند تا با استفاده منظم و نظام‌مند از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴). در خصوص روش گونه‌شناسی نیز اگرچه واژگان و مفاهیمی چون طبقه‌بندی<sup>۴</sup>، گونه‌شناسی، رده‌بندی<sup>۵</sup> و خوشه‌بندی<sup>۶</sup> گاه به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند ولی تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد؛ طبقه‌بندی، مفهوم عامی است که همه موارد پیش‌گفته را شامل می‌گردد؛ خوشه‌بندی به دسته‌بندی آماری داده‌ها بر اساس معیارهای کمی می‌پردازد؛ رده‌بندی عمدتاً در علوم طبیعی و تجربی، مبتنی بر روابط نیایی، به صورت تکاملی تنظیم می‌شود و گونه‌شناسی معمولاً در علوم اجتماعی و بر اساس تمایز بین گروه‌ها با معیارهایی مشخص و بدون ارایه سلسله مراتب بکار بسته می‌شود (بایلی، ۱۹۹۴)

<sup>۱</sup> - Persuasive Advocate

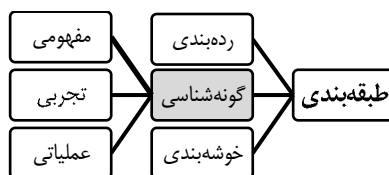
<sup>۲</sup> - Typology

<sup>۳</sup> - Documental method

<sup>۴</sup> Classification

<sup>۵</sup> - Taxonomy

<sup>۶</sup> - clustering



شکل ۲- رده‌بندی انواع طبقه‌بندی (بایلی، ۱۹۹۴).

طبق نظر دوتی و گلیک «گونه‌شناسی به مثابه روشی بی‌همتا در نظریه‌پردازی» به شمار رفته و در بسیاری از مطالعات تئوریک با صبغه نظریه‌پردازانه از این روش استفاده شده است (دوتی و گلیک، ۱۹۹۴). البته برخی بر این نظرند که گونه‌شناسی به سبب رویکرد توصیفی<sup>۱</sup>، نمی‌تواند به عنوان تئوری تلقی شود. ایشان گونه‌شناسی را تنها یک نظام طبقه‌بندی و رده‌بندی ساده می‌دانند. یکی از دلایل چنین حمله‌ای به گونه‌شناسی‌ها، عدم تفکیک دقیق بین گونه‌شناسی و فعالیت‌های مشابه آن نظیر رده‌بندی است (لطیفی، ۱۳۸۸). با نگاهی دقیق می‌توان ادعا کرد که گونه‌شناسی‌ها، گزاره‌های پیچیده نظری هستند که با زبان ساده بیان شده‌اند و البته قابلیت آزمون تجربی دارند و به سبب برخورداری از سه ویژگی عمده که در تئوری‌ها وجود دارد (یعنی تعریف سازه‌های مورد استفاده، تبیین رابطه بین سازه‌ها و لحاظ کردن ویژگی ابطل‌پذیری در روابط میان سازه‌ها) فراتر از یک دوگان توصیفی ساده می‌باشند (دوتی و گلیک، ۱۹۹۴). در واقع مفهوم‌مداری و معیارمند بودن، دو ویژگی اصلی گونه‌شناسی است که آن را از سایر طبقه‌بندی‌ها متمایز می‌سازد (حسن‌پور و ربانی، ۱۳۹۳). اما تحلیل و طبقه‌بندی به صورت گونه‌شناسی را می‌توان به صورت مفهومی<sup>۲</sup>، تجربی<sup>۳</sup> و یا مفهومی - تجربی که نوع عملیاتی<sup>۴</sup> نامیده می‌شود، مورد بررسی قرار داد (بایلی، ۱۹۹۴).

با توجه به مزیت گونه‌شناسی عملیاتی در کاربرد همزمان نظری - عملی آن، در این نوشتار، گونه‌شناسی عملیاتی که در آن، گونه‌ها بر اساس استقراء و با انتخاب برچسب‌های مفهومی مناسب شکل گرفته (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰)، مدنظر خواهد بود. بدین صورت که مطالعات واسطه‌گری در عرصه خط‌مشی، با رویکردی استقرایی جمع‌آوری شده و نخست، بر اساس کارکردهای متصور و سپس بر اساس نهادهای شکل گرفته مبتنی بر این کارکردها، گونه‌شناسی می‌گردند. زمانی که رابطه میان پژوهش و خط‌مشی در ابتدای راه است و بنابراین، مطالعات داخلی در این خصوص با فقر شدید ادبیات نظری مواجه است، استفاده از

<sup>۱</sup> - Descriptive Approach

<sup>۲</sup> - Conceptual

<sup>۳</sup> - Empirical

<sup>۴</sup> - Operational

این روش در جبران این وضعیت، نقشی اساسی دارد و با توجه به ویژگی‌های فوق، می‌تواند زمینه‌ساز نظریه‌پردازی‌های کاربردی و تصمیم‌گیری‌های روشن‌گرایانه در این عرصه گردد. با توجه به روش فوق، یافته‌های این پژوهش در دو نوع گونه‌شناسی جامع از ۱) کارکردها و ۲) نهادهای واسطه‌ای در رابطه میان دانش و پژوهش با خط‌مشی و سیاست خلاصه می‌شوند که در ادامه، به ترتیب مطرح می‌گردند.

#### ۴- گونه‌شناسی کارکردهای واسطه‌ای در خط‌مشی‌گذاری عمومی: الگویی

##### تلفیقی

به رغم گستردگی کارکردهای معرفی شده در ادبیات برای واسطه‌های خط‌مشی‌گذاری، می‌توان آنها را در چند دسته کلی دسته‌بندی نمود. این کار موجب می‌شود که انتظارات اصلی از واسطه‌های خط‌مشی، شناسایی گردیده و قابلیت مقایسه بهتر این کارکردها در مرحله نخست و نهادهای متناظر با آنها در مرحله بعد، فراهم شود. به عبارت دیگر، با شناسایی کارویژه‌های اصلی این نهادها، می‌توان بر مبنای تمرکز آنها بر هر یک از این کارویژه‌ها، گروه‌های اصلی آنها را شناسایی نمود. بر این اساس، ابتدا برخی گونه‌شناسی‌های معرفی شده در ادبیات این حوزه معرفی می‌گردد و در نهایت، کارکردهای معرفی شده در بخش قبل بر مبنای گونه‌شناسی پیشنهادی مرتب می‌شود.

هائیند، کارکردهای واسطه‌های خط‌مشی را در سه دسته مدیریت دانش<sup>۱</sup> (ناظر بر نیازهای طرف تقاضا برای تامین دانش مورد نیاز در خط‌مشی)، پیوند دادن، تبادل و دفاع<sup>۲</sup> (در جهت ایجاد همفکری‌ها، مشخص نمودن خلأها و مانند آن) و تسهیل و تقویت ظرفیت‌ها<sup>۳</sup> (تسهیل گفتگوی طرفین عرضه و تقاضا، ارتقای ظرفیت خط‌مشی‌گذار و مانند آن) دسته‌بندی می‌کند (هائیند، ۲۰۱۳). مایکلز نیز، این کارکردها را در قالب شش گروه اصلی اطلاع‌رسانی یا آگاهی بخشی<sup>۴</sup> (انتشار مطالب سیاستی)، مشاوره<sup>۵</sup> (جستجو برای کارشناسان شناخته شده برای ارائه توصیه در مورد مشکل مطرح شده توسط طرف تقاضا)، تطابق‌دهی<sup>۶</sup> (شناسایی تخصص مورد نیاز؛ اینکه چه کسی می‌تواند آن را فراهم کند و بهترین راه برای برقراری ارتباط چیست)، تعامل<sup>۷</sup> (ایجاد تعامل میان خط‌مشی‌گذاران مرتبط)، همکاری<sup>۸</sup> (ایجاد مذاکره مفهومی میان

<sup>۱</sup> - Knowledge Management

<sup>۲</sup> - Linkage, Exchange & Advocate

<sup>۳</sup> - Facilitation & Capacity Strengthening

<sup>۴</sup> - Informing

<sup>۵</sup> - Consulting

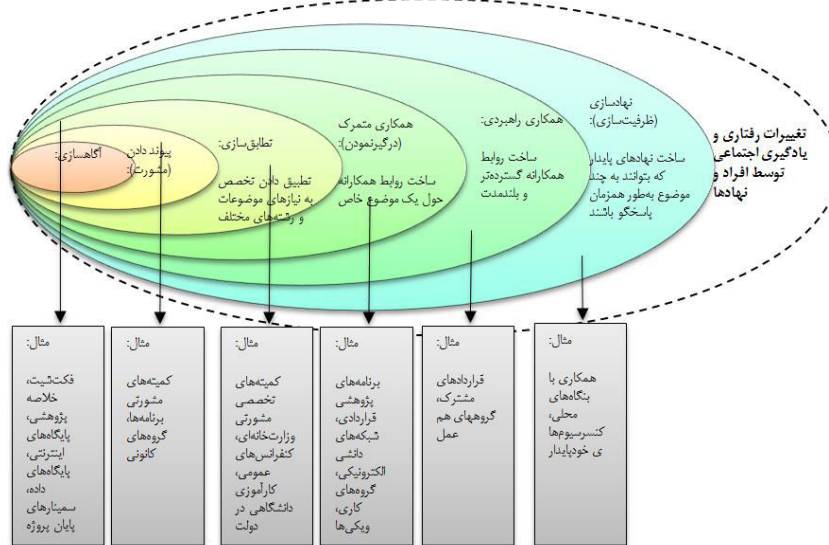
<sup>۶</sup> - Matchmaking

<sup>۷</sup> - Engaging

<sup>۸</sup> - Collaborating



خط‌مشی‌گذاران) و ظرفیت‌سازی<sup>۱</sup> (ظرفیت‌سازی سازمانی در طرفین عرضه و تقاضا) طبقه‌بندی می‌کند (مایکلز، ۲۰۰۹). گوین و شاکسون (۲۰۱۰) بر اساس نظریه مایکلز (۲۰۰۹) نیز این کارکردهای واسطه‌ای را در شش دسته کم و بیش مشابه طبقه‌بندی می‌کنند که خروجی و خلاصه کار ایشان در شکل ۳ نمایش داده شده است. ایشان هدف نهایی فعالیت‌های واسطه‌ای را تغییرات رفتاری و یادگیری اجتماعی توسط افراد و نهادها می‌دانند. در دسته‌بندی دیگر، کارکردها به صورت طیفی از دسترسی به پژوهش تا تقویت ظرفیت خط‌مشی‌گذاران ارائه شده است: «تسهیل دسترسی به پژوهش»<sup>۲</sup>، «سازمان‌دهی و (ایجاد) تابلوی راهنما»<sup>۳</sup>، «ترکیب و خلق محصولات جدید»<sup>۴</sup>، «پیوند شبکه‌ها و کمیسیون‌ها» و «تسهیل گفتگو و تقویت ظرفیت»<sup>۵</sup> (فیشر و کوناراتنام، ۲۰۰۷). یانگ در یک طبقه‌بندی مشابه به هاینده، کارکردهای واسطه‌های خط‌مشی را در سه دسته «مدیریت فعالیت‌های دانشی و پژوهشی»<sup>۶</sup>، «ظرفیت‌سازی و تسهیل ارتباطات» و «مدیریت فرآیندهای سیاسی و ائتلافی» قرار می‌دهد (یانگ، ۲۰۰۷). اگرچه استفاده از این گونه دسته‌بندی‌های کلی‌تر، از دقت گونه‌شناسی خواهد کاست، اما به دلیل اینکه در اغلب منابع، بر دقیق نبودن مرز میان این کارکردها تأکید شده است (لیندکوئیست، ۲۰۰۱)، در ارائه تصویر کلی موفق خواهد بود.



شکل ۳- کارکردهای مختلف واسطه‌گری خط‌مشی (گوین و شاکسون، ۲۰۱۰).

- 1- Building capacity
- 2- Leverage Access to Research
- 3- Organise and Signpost
- 4- Synthesis, Create New Product
- 5- Link Networks and Commissions
- 6- Facilitate Dialogue, Strengthen Capacity

نگارندگان با توجه به طبقه‌بندی‌های پیش‌گفته از یک سو و با عنایت به کارکردهای احصاء شده در بخش قبل که با رویکردی حداکثری، کلیه کارکردهای متصور را در این خصوص در بر می‌گرفت، بر اساس روش گونه‌شناسی عملیاتی، به گونه‌شناسی ترکیبی ذیل برای طبقه‌بندی کارکردهای متنوع و وسیع واسطه‌ای در خط‌مشی‌گذاری عمومی دست یافتند:

- ۱- تسهیل دسترسی به پژوهش: ایجاد دسترسی به پژوهش‌ها از منابع مختلف و عمل به عنوان مخزن اطلاعات.
  - ۲- سازمان‌دهی و مناسب‌سازی پژوهش: خلاصه‌سازی پژوهش و ارائه در قالب‌های مناسب طرف تقاضا (خط‌مشی‌گذاران) و سایر ذینفعان و آگاه‌سازی طرفین عرضه و تقاضا
  - ۳- ترویج و تسهیل گفتگو و تبادل نظر: ایجاد زمینه مناسب برای گفتگوی طرفین عرضه و تقاضا و سایر ذینفعان و یافتن تکنیک‌های مناسب تبادل.
  - ۴- پیوند دادن، شبکه‌سازی و دفاع از موضوع: ایجاد شبکه با پژوهشگران و سایر ذینفعان، برجسته ساختن برخی موضوعات، خلأها و بعضی از جهت‌گیری‌های آینده و تخصیص تخصص به نیاز و درگیر نمودن ذینفعان.
  - ۵- افزایش ظرفیت: ارتقای توانایی‌های تحلیلی و تفسیری تصمیم‌گیران، ارزیابی و یادگیری و توانمندسازی طرف تقاضا (خط‌مشی‌گذاران و تصمیم‌گیران) برای شناسایی نیازها و کاربرد نتایج و همچنین همکاری در انجام پژوهش.
- دلیل انتخاب این گونه از کارکردها، جامعیت آن برای پوشش انواع فعالیت‌های واسطه‌ای از ایجاد فشار عرضه تا ایجاد کشش تقاضا است. حاصل این گونه‌شناسی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲- گونه‌شناسی کارکردهای واسطه‌ای در خط‌مشی‌گذاری عمومی

کارکرد مرتبط	گونه
انتشار اطلاعات (ولف و اینیشیاتیو، ۲۰۰۶)، ایجاد دسترسی به پژوهش (فیشر و وگل، ۲۰۰۸)، عمل کردن به عنوان مخزن اطلاعات (فیشر و وگل، ۲۰۰۸)، آگاه‌سازی توسط انتشار اطلاعات (فیشر، ۲۰۱۰)، فعال کردن و نگهداری دسترسی به اطلاعات (فیشر، ۲۰۱۰)، آگاه‌سازی تصمیم‌گیرندگان با انتشار هدف‌مند داده (مایکلز، ۲۰۰۹)، مدیریت دانش (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، راه‌اندازی پژوهش‌های دارای ارتباط زیاد با خط‌مشی (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، تسهیل دسترسی به شواهد (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، تلاش مستمر برای دسترسی بیشتر مردم به اطلاعات (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، فراهم نمودن هوشمندی	۱) تسهیل دسترسی به پژوهش

<p>مبتنی بر شواهد (هوپ، ۲۰۰۹)، عمل به عنوان یک منبع اطلاعات (پیلک، ۲۰۰۷)، پاسخگویی به سؤالات مشخص خط‌مشی‌گذار (پیلک، ۲۰۰۷)، گسترش محدوده انتخاب برای تصمیم‌گیر و اجازه به وی برای کاهش این محدوده بر مبنای ترجیحات و ارزش‌های خود (پیلک، ۲۰۰۷)، ارائه توصیه‌های مستقل (ویور و استیرز، ۲۰۰۱)</p>	
<p>سازماندهی اطلاعات جهت در دسترس‌تر شدن (فیشر و وگل، ۲۰۰۸)، خلاصه کردن و ترکیب کردن تحقیقات جهت ترجمه و متناسب‌سازی آن با نیازهای خط‌مشی‌گذار (فیشر و وگل، ۲۰۰۸)، مطبوع‌تر ساختن اطلاعات برای مخاطبان (فیشر، ۲۰۱۰)، تولید اطلاعات مناسب برای مخاطبان از طریق محصولات ترکیب‌گونه کوتاه، مانند خلاصه سیاستی (جونز و همکاران، ۲۰۰۹)، ترکیب و بازچارچوب‌بندی دانش موجود (اوونز و راینز، ۱۹۹۹)، انتقال ایده‌ها (اوونز و راینز، ۱۹۹۹)، ترویج ایده‌های پژوهشگران و نهادهای آکادمیک (اوونز و راینز، ۱۹۹۹)، تولید مفاهیم جدید و کارآفرینی برای آنها (اوونز و راینز، ۱۹۹۹)</p>	<p>۲) سازماندهی و متناسب‌سازی پژوهش</p>
<p>ارائه پلت فرم برای دیدگاه‌های چندگانه (ولف و اینیشیاتیو، ۲۰۰۶)، تسهیل تعامل و تولید بحث و گفتگو در میان ذینفعان در پژوهش برای چرخه خط‌مشی‌گذاری (ولف و اینیشیاتیو، ۲۰۰۶)، تسهیل گفتگو و تبادل نظر (فیشر، ۲۰۰۸)، تسهیل تعامل بین خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران (فیشر و وگل، ۲۰۰۸)، ترویج گفتگوهای فراگیر، تعامل و بحث بین محققان، خط‌مشی‌گذاران و سایر ذینفعان و درگیر کردن عموم مردم (جونز و همکاران، ۲۰۰۹)، درگیر نمودن ذینفعان مرتبط و تسهیل همکاری بین آنها و تصمیم‌گیرندگان (مایکلز، ۲۰۰۹)، ارتباطات و تبادل نظر (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، کنار هم جمع کردن مردم برای ساخت پیوند و به اشتراک گذاشتن نظرات (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، کمک به گروه‌ها برای برقراری ارتباط و درک نیازها و توانایی‌های یکدیگر (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، راهنمایی مردم به منابع پژوهش (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، تقویت همکاری (لوونسون، ۲۰۱۰)، ایجاد اعتماد و گفت و گو (لوونسون، ۲۰۱۰)، پوشش دادن مرز بین تحلیلگران خط‌مشی و خط‌مشی‌گذاران (هوپ، ۲۰۰۹)، خلق و نهادینه نمودن الگوهای تعامل و نقش‌های پایدارتر (هوپ، ۲۰۰۹)</p>	<p>۳) ترویج و تسهیل گفتگو و تبادل نظر</p>
<p>شناسایی شکاف‌ها و نیازهای اطلاعات (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، بکارگیری اطلاعات برای حل مشکلات (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، سازماندهی و مدیریت انجمن‌های مشترک برای خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، ساختن روابط اعتماد (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)</p>	<p>۴) پیوند دادن، شبکه‌سازی و دفاع از موضوع</p>

<p>کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، تعیین دستورالعمل‌های کاری و اهداف مشترک (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، مشخص نمودن نیازهای اطلاعات (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، مرتبط نمودن و به اشتراک‌گذاری مشورت (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، فعالیت‌های تبادل با استفاده از اطلاعات حاصل از پژوهش (لونسون، ۲۰۱۰)، سازمان‌دهی شبکه‌ها و جوامع خط‌مشی رسمی و غیر رسمی با منافع مشترک، اعتماد و تعامل اجتماعی (لونسون، ۲۰۱۰)، تلفیق نمودن بازیگران از جریان‌های مختلف (لونسون، ۲۰۱۰)، اتصال به انجمن‌های خط‌مشی ملی و منطقه‌ای (لونسون، ۲۰۱۰)، ارائه کانال‌های ارتباطی با خط‌مشی‌گذاران (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، روشن نمودن منافع ذینفعان مختلف (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، فراهم آوردن مشروعیت برای قوانین و مقررات آینده (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، تسهیل مرزگستری‌های منظم بین سیاست و علم در فضای اعتماد تقابل (هوپ، ۲۰۰۹)، پررنگ کردن یک گزینه نسبت به سایر گزینه‌ها برای خط‌مشی‌گذار (پیلک، ۲۰۰۷)، درگیر شدن صریح و آشکار با گزینه‌های خط‌مشی (پیلک، ۲۰۰۷)، ایجاد اجماع و هماهنگی میان ذینفعان (پیلک، ۲۰۰۷)، ایجاد دسترسی به خط‌مشی‌گذاران کلیدی (ویور و استیرز، ۲۰۰۱)، پاسخگویی سریع و مطمئن به دستور کار دولت (ویور و استیرز، ۲۰۰۱)، ساختن اعتبار نزد خط‌مشی‌گذاران و مردم (ویور و استیرز، ۲۰۰۱)، تا انتها دنبال کردن توصیه خط‌مشی (ویور و استیرز، ۲۰۰۱)، طرفداری (فیشر و وگل، ۲۰۰۸)، پیوند دادن و تخصیص تخصص به نیاز (فیشر، ۲۰۱۰)، حمایت از نظرات به حاشیه رانده شده (فیشر، ۲۰۱۰)، همکاری کوتاه مدت و دراز مدت (فیشر، ۲۰۱۰)، شبکه‌سازی با تولیدکنندگان دانش و دیگر واسطه‌ها (جونز و همکاران، ۲۰۰۹)، وصل نمودن و تسهیل ارتباطات مناسب بین تصمیم‌گیرندگان و پژوهش‌گران (مایکلز، ۲۰۰۹)، تعامل استوار و منظم در طول مدت طولانی (لونسون، ۲۰۱۰)، بازی کردن نقش مدافعه و لابی برای گروه‌ها یا مسائل خاص (ولف و اینیشیتو، ۲۰۰۶)</p>	
<p>کمک به فرآیندهای یادگیری متقابل (ولف و اینیشیتو، ۲۰۰۶)، تغییر واژگان و چارچوب تفسیری خط‌مشی‌گذاران در درازمدت (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، تغییر سیستم‌های باور و چارچوب‌های خط‌مشی در درازمدت (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، گشودن جوامع خط‌مشی برای حوزه‌هایی که مغفول مانده است (اوونز و راینر، ۱۹۹۹)، بهره‌برداری از فرصت‌ها برای یادگیری سودمند (هوپ، ۲۰۰۹)، تأیید و آموختن خطوط استراتژیک خط‌مشی و مفروضات اساسی باورهای خط‌مشی (هوپ، ۲۰۰۹)، ایجاد تقاضا برای استفاده از دانش (فیشر، ۲۰۱۰)، تقویت انعطاف‌پذیری نهادها (فیشر، ۲۰۱۰)، فعال کردن پاسخگویی، تشویق تغییرات و یادگیری اجتماعی (فیشر، ۲۰۱۰)، تقویت ظرفیت خط‌مشی‌گذاران با کمک به تفسیر و دسترسی به طیف وسیعی از شواهد معتبر (جونز و همکاران، ۲۰۰۹)، ظرفیت‌سازی از طریق فعالیت‌هایی</p>	<p>(۵) افزایش ظرفیت</p>

مانند مدیریت مشارکتی، یافتن واقعیت‌های مشترک و تولید همکارانه دانش (مایکلز، ۲۰۰۹)، ظرفیت‌سازی (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، آشکارسازی فرصت‌های متقابل (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، تقویت ظرفیت ترجمه دانش (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)، پایش تاثیر بر شکاف دانش - عمل (وارد و همکاران، ۲۰۰۹؛ کمپبل، ۲۰۰۶؛ ون کامر و همکاران، ۲۰۰۶)
---

همان طور که پیشتر نیز اشاره گردید، سازمان‌های متعدد و متنوعی از نهادهای موفق در زمینه میانجی‌گری خط‌مشی در دنیا وجود دارند که در حوزه‌های بخشی، چندبخشی و فرابخشی عملکرد خوبی از خود نشان داده‌اند. چهار نهاد میانجی صاحب‌نام و موفق بین‌المللی در جدول ۳ مورد مطالعه قرار گرفته و کارکردهای آنها از منظر انطباق با الگوی تلفیقی معرفی شده در این نوشتار، واکاوی شده است.

جدول ۳- کارکردهای چهار نهاد میانجی خط‌مشی در دنیا در انطباق با الگوی تلفیقی

کارکرد مرتبط در الگوی تلفیقی	معرفی مختصر	نام مؤسسه				
			۵	۴	۳	۲
	<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ این سازمان به صورت غیرانتفاعی اداره می‌گردد و اساسنامه این مؤسسه استقلال نهادی آن را تضمین می‌کند.</li> <li>❖ کانون تفکر چندرشته‌ای پیشرو در ارائه پیشنهادهای خط‌مشی‌های توسعه‌ای است.</li> <li>❖ این مؤسسه میان نظریه و عمل یک پل ارتباطی ایجاد نموده و در شبکه‌های پژوهشی بین‌المللی فعالیت دارد.</li> <li>❖ پژوهش، بنیان فعالیت‌های مشورتی آن به‌شمار می‌رود و هم‌چنین فعالیت‌های مشورتی، تمهیدات لازم جهت انجام برنامه‌های پژوهشی بیشتر فراهم می‌نماید.</li> <li>❖ آماده‌سازی افراد برای انجام مشاغل در حوزه خط‌مشی - توسعه‌ای از فعالیت‌های مهم آن به‌شمار می‌رود.</li> </ul>	مؤسسه توسعه آلمان				
		*	*	*	*	*

کارکرد مرتبط در الگوی تلفیقی					معرفی مختصر	نام مؤسسه
۵	۴	۳	۲	۱		
*	-	-	*	*	<p>❖ این مرکز جهت ارتقای کیفیت رصد، آینده‌نگاری و ارزیابی خط‌مشی‌ها در امور مرتبط با کشاورزی تاسیس شده است.</p> <p>❖ این مرکز مرجع خط‌مشی و کانون تفکر وزارتخانه کشاورزی می‌باشد.</p> <p>❖ در قالب کارگروه‌های میان‌رشته‌ای - نظیر گروه انرژی کشاورزی - فعالیت می‌کند.</p> <p>❖ برخی از نتایج فعالیت‌های خود را برای عموم و برخی دیگر را برای خط‌مشی‌گذاران منتشر می‌کند.</p> <p>❖ در شبکه‌های دانشی ملی و بین‌المللی حضور فعال و مؤثر دارد.</p>	مرکز مطالعات و آینده‌نگاری راهبردی فرانسه
*	-	*	*	*	<p>❖ این مؤسسه تنها مؤسسه تحقیقاتی متخصص در زمینه خط‌مشی‌گذاری انرژی در کره جنوبی است که تأمین مالی آن توسط دولت صورت می‌گیرد.</p> <p>❖ وظیفه اصلی آن جمع‌آوری، بررسی، تحلیل و انتشار اطلاعات و تربیت خط‌مشی‌گذاران در حوزه‌های مختلف انرژی است.</p> <p>❖ ارائه مشاوره و راه‌کارهای تخصصی در سطح جهانی</p> <p>❖ در تقویت ظرفیت سازمانی خط‌مشی‌گذاران و تثبیت زیرساخت‌های پژوهشی اثرگذاری قابل توجهی دارد.</p> <p>❖ با بهره‌گیری از تعاملات چند رشته‌ای فعالیت می‌کند.</p>	مؤسسه اقتصاد انرژی کره جنوبی

کارکرد مرتبط در الگوی تلفیقی					معرفی مختصر	نام مؤسسه
۵	۴	۳	۲	۱		
*	-	-	*	*	<p>❖ این مؤسسه یک کانون تفکر خط‌مشی بوده که به منظور انجام پژوهش‌های تئوری و عملی، بیشینه نمودن همکاری‌ها با استفاده از افراد دخیل در خط‌مشی‌گذاری و تهیه پیشنهادهای سیاستی مبتنی بر شواهد بدست آمده از چنین فعالیتهای پژوهشی، تاسیس گردیده است.</p> <p>❖ چارچوب‌های اجرایی و سیاستی متداول اداری را شکسته و تقویت ظرفیت خط‌مشی‌گذاری<sup>۱</sup> را در دستور کار قرار داده است.</p> <p>❖ به گونه‌ای مؤثر و کارآمد، دولت را به پشتوانه نظری<sup>۲</sup> و شبکه دانش تجهیز نموده است.</p>	مؤسسه تحقیقاتی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن

### گونه‌شناسی نهادهای واسطه‌ای و مشاوره‌ای در خط‌مشی‌گذاری عمومی

پس از مرور مفاهیم و کارکردها، اکنون نوبت به مصادیق نهادی که این کارکردها را ایفا کرده و ارتباط مؤثر میان دو دنیای متفاوت دانش و پژوهش از یک سو و سیاست و خط‌مشی را از سوی دیگر بر عهده دارند، می‌رسد. با وجود گستردگی مفاهیم مطرح در حوزه نهادهای واسطه میان علم و خط‌مشی، می‌توان دو دسته کلی از این نهادها را با توجه به دستور کارشان ارائه داد: (۱) تقاضامحور و (۲) عرضه‌محور<sup>۳</sup> (واس، ۲۰۱۰؛ لوونسون، ۲۰۱۰). نهادهای تقاضامحور در راستای برآورده کردن تقاضای جامعه تصمیم، عمل می‌کنند و به دنبال بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و استفاده خط‌مشی از پژوهش (کاپلان، ۱۹۷۵؛ کاپلان، ۱۹۷۹ و آلبیک، ۱۹۹۵) هستند. از سوی دیگر نهادهای عرضه‌محور بیشتر به دنبال تأثیر بر خط‌مشی‌گذاری<sup>۴</sup> هستند.

در ادامه برخی مصادیق نهادهای واسطه‌ای ارائه می‌گردد. هر یک از این مصادیق می‌توانند در مسائل مختلف، به ایفای کارکردهای متفاوتی بپردازند. به عنوان مثال ممکن است یک کانون تفکر در مورد یک مسأله خاص به کارآفرینی دانش تولید شده درونی خود پرداخته و در

<sup>۱</sup> - Policymaking Capacity

<sup>۲</sup> - Theoretical Backbone

<sup>۳</sup> - Supply-Driven & Demand-Driven

<sup>۴</sup> - Policy Influence

عین حال، در مسأله‌ای متفاوت، دسترسی خطمشی‌گذاران را به منابع دانشی موجود خارجی تسهیل کند.

همان‌طور که اشاره گردید، مرز میان عرضه‌کنندگان و بهره‌برداران دانش و نهادهای واسطه روز به روز کمرنگ‌تر و منعطف‌تر می‌گردد. نهادهای واسطه پژوهش و خطمشی می‌توانند درون یا بیرون دولت در قالب‌هایی چون سازمان‌های غیردولتی<sup>۱</sup> یا گروه‌های پژوهشی باشند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹). هم‌چنین این نهادها می‌توانند وضعیتی بینابین داشته باشند، به این معنا که علی‌رغم تأمین مالی کامل یا نسبی توسط دولت، از استقلال برخوردار بوده و به دولت پاسخگویی نداشته باشند. هم‌چنین، می‌توانند کاملاً مستقل از دولت (جامعه تصمیم) و فضای آکادمیک (جامعه علمی) بوده و یا درون هر یک از این دو قرار داشته و یا ترکیبی از این وضعیت‌ها باشند. ویور و استیرز دسته‌بندی زیر را از نوعی از نهادهای واسطه میان دانش و خطمشی<sup>۲</sup> بر حسب میزان وابستگی این نهادها به دولت ارائه نموده‌اند (ویور و استیرز، ۲۰۰۱): نهادهای دولتی (سازمان‌های مرکزی مشاوره و بررسی خطمشی در قوه مجریه، سازمان پشتیبانی از قانون‌گذاری، سازمان‌های مستقل حسابرسی دولت)، نهادهای میانی (کمیسیون‌های موقت دولتی روبان آبی<sup>۳</sup>، نهادهای دائمی مشورتی مستقل، کانون‌های تفکر وزارتخانه‌ای و پژوهش‌های قراردادی، دفاتر پژوهشی و کانون‌های تفکر احزاب سیاسی) و نهادهای مستقر در جامعه مدنی (کانون‌های تفکر آکادمیک، کانون‌های تفکر طرفداری، سازمان‌های غیر دولتی پژوهش - محور). در جدول ۴ این تفکیک به‌خوبی نمایان است.

<sup>۱</sup> - NGOs

<sup>۲</sup> - سازمان‌های جایگزین مشورتی خطمشی

<sup>۳</sup> - این کمیسیون‌های خاص موقتی، بنا به ماهیت‌شان، یک مأموریت مشخص و تقریباً همیشه یک چارچوب زمانی کوتاه برای رسیدن به آن دارند. اعضای کمیسیون ممکن است پیش از قانون‌گذاری برای ارائه شواهد یا مشورت با کارکنان اداری و سیاستمداران فراخوانده شوند، ولی هیچ ظرفیت نهادی یا اجباری، برای استفاده از یافته‌ها و توصیه‌های کمیسیون وجود ندارد. غیر از مواردی که گزارش، یک پشتیبان نهادی در ادارات دولتی یا یک حامی قدرتمند و متعهد در میان سیاستمداران منتخب پیدا کند، عمر کار کمیسیون کوتاه خواهد بود.



جدول ۴- منابع جایگزین تخصص و مشاوره خط‌مشی برای دولت

دولت	میانی	جامعه مدنی
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سازمان‌های مرکزی مشاوره و تحلیل خط‌مشی در قوه مجریه</li> <li>• سازمان پشتیبانی از قانون‌گذاری</li> <li>• سازمان‌های مستقل حسابرسی دولت</li> <li>• بانک مرکزی</li> <li>• خزانه‌داری و وزارتخانه‌های امور مالی</li> <li>• سازمان‌های آماری دولت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کمیسیون‌های موقت دولتی روبان آبی</li> <li>• نهادهای دائمی مشورتی مستقل</li> <li>• کانون‌های تفکر وزارتخانه‌ای و پژوهش‌های قراردادی</li> <li>• دفاتر پژوهشی و کانون‌های تفکر احزاب سیاسی</li> <li>• شرکت‌های مشاوره به دولت</li> <li>• سازمان‌های وام‌دهی بین‌المللی (به عنوان مثال صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی)</li> <li>• سازمان‌های فراملی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کانون‌های تفکر آکادمیک</li> <li>• کانون‌های تفکر طرفداری</li> <li>• سازمان‌های غیر دولتی پژوهش محور</li> <li>• کانون‌های تفکر شرکت‌های بزرگ</li> <li>• گروه‌های ذینفع</li> <li>• مراکز تحقیقاتی دانشگاه</li> <li>• انجمن‌های حرفه‌ای</li> </ul>

----->

#### درجه استقلال از دولت

آنها همچنین ویژگی‌هایی از قبیل دسترسی به تصمیم‌گیران کلیدی، ظرفیت برای ارائه توصیه‌های مستقل، پاسخگویی به دستور کار دولت، اعتبار نزد تصمیم‌گیران، اعتبار نزد مردم، ظرفیت برای ارائه مسیر شغلی پایدار و ظرفیت نهادی جهت تا آخر دنبال کردن توصیه خط‌مشی را برای تمایز این نهادها مطلوب می‌دانند. استون، نهادهای واسطه‌ای را بر حسب قابلیت دسترسی به خط‌مشی‌گذاران متمایز می‌داند (پنج دسته پژوهشگران قراردادی، پژوهشگران داخل (دولت)، مشاوران سیاسی، پژوهشگران جامعه مدنی و محققان بی‌طرف) که نمونه‌های آن به شرح زیر است (استون و همکاران، ۲۰۰۱): دانشگاه‌ها، کانون‌های تفکر، گروه‌های پژوهشی (اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های کسب و کار / حرفه‌ای)، گروه‌های فشار و سازمان‌های غیر دولتی، کمیسیون‌های تحقیق و تفحص، رسانه‌ها، کمیته‌های قانونگذاری / مجلس. همچنین هاوالت و لیندکوئیست، بر حسب دو معیار موقعیت نسبت به تصمیم‌گیران و تأمین مالی، نهادهای واسطه‌ای را به دو دسته خودی‌ها<sup>۱</sup> و غیر خودی‌ها<sup>۲</sup> تقسیم می‌کنند که در کنار بازیگران اصلی<sup>۳</sup>، قرار دارند. از نمونه‌های آن می‌توان موارد زیر را نام برد (جدول ۵): کمیته‌های کابینه، گروه‌های موقت ویژه<sup>۴</sup>، کمیسیون‌ها و کمیته‌ها، گروه‌های ذینفع عمومی، انجمن‌های کسب و کار، اتحادیه‌های کارگری، نهادهای آکادمیک، کانون‌های تفکر و رسانه‌ها (لیندکوئیست، ۲۰۰۱؛ دوبزینسکیس و همکاران، ۲۰۰۵).

<sup>۱</sup> - Insiders

<sup>۲</sup> - Outsiders

<sup>۳</sup> - Core Actors

<sup>۴</sup> - Task Force گروه موقتی از افراد که بصورت ضربتی برای انجام یک مأموریت و یا پروژه خاص و با برای حل یک مشکل که نیاز به یک رویکرد چند رشته‌ای دارد، شکل گرفته است.

جدول ۵- دسته‌بندی نهادهای واسطه‌ای بر حسب دو معیار موقعیت نسبت به تصمیم‌گیران و تأمین مالی (لیندکوئیست، ۲۰۰۱؛ دویزینسکیس و همکاران، ۲۰۰۵)

تأمین مالی توسط بخش عمومی	<b>بازیگران محوری</b> وزارتخانه‌های دولتی کمیته‌های کابینه سازمان‌های مرکزی مشورتی گروه‌های موقت ویژه	<b>خودی‌ها</b> کمیسیون‌ها و کمیته‌ها گروه‌های موقت ویژه شوراهای پژوهشی
تأمین مالی توسط بخش خصوصی	<b>خودی‌ها</b> مشاوران کارکنان احزاب سیاسی	<b>غیر خودی‌ها</b> گروه‌های ذینفع عمومی انجمن‌های کسب و کار اتحادیه‌های کارگری دانشگاهیان کانون‌های تفکر رسانه‌ها

### ۵- توصیه‌های سیاستی

تصمیمات گوناگون در عرصه سیاست و خط‌مشی، همواره با توجه به ملاحظات مختلفی اخذ می‌شود که یکی از مهمترین آنها توجه به دستاوردهای عرصه دانش و پژوهش و کاربرد آنها جهت تقویت و ارتقای کیفیت این تصمیمات است. حساسیت‌ها و ملاحظات خاص در حوزه عمومی، تکیه بر پشتوانه دانشی تصمیمات در این حوزه را دو چندان می‌سازد. اما تفاوت‌های بنیادین دو عرصه دانشی و پژوهشی با عرصه سیاسی و خط‌مشی‌گذاری، انجام پژوهش‌های مرتبط و متناسب را از یک سو و همچنین انتقال دانش مورد نظر به فرآیندهای سیاسی و خط‌مشی‌گذاری را از سوی دیگر، همواره با مشکلاتی روبرو می‌سازد که نیازمند شناخت و معماری دقیق فضای ارتباطی میان این دو عرصه و طراحی کارکردهای واسطه‌ای لازم‌الاجرا میان آنهاست. در واقع با توجه به اهمیت روزافزون ورود دانش به تصمیم‌گیری‌های دولتی و پیچیدگی‌های مضاعف فضای سیاسی و تأثیرگذاری و ورود به آن، پرداختن به مرز میان دانش و پژوهش با عرصه خط‌مشی و فضای سیاسی از اهمیت حیاتی برخوردار است. یکی از راه‌های مواجهه با این پیچیدگی که در تعامل دو عرصه مذکور، شدت بیشتری می‌یابد، استفاده از ابزار کارآمد گونه‌شناسی و طبقه‌بندی است. در این نوشتار تلاش شد تا با استفاده بهینه از این ابزار در خصوص موضوع مورد مطالعه یعنی کارکردها و نهادهای واسطه‌ای در

خط‌مشی، با جستجویی نظام‌مند و جامع در اسناد و متون مرتبط و با دقت نظری کافی، از یک سو، دایره وسیع این حوزه مهم، به خوبی نمایان شود و از سوی دیگر، به منظور کاهش پیچیدگی در فهم آن و زمینه‌سازی برای اقدام بهینه و روشن در این خصوص، این دایره گسترده، در قالب گونه‌های عملیاتی شناسایی شده، جمع‌آوری و خلاصه گردد. به طور خلاصه، کارکردهای واسطه‌ای در عرصه خط‌مشی‌گذاری را به رغم گستردگی و تکثر آنها، می‌توان در پنج گونه ذیل گنجانید: «تسهیل دسترسی به پژوهش»، «سازمان‌دهی و مناسب‌سازی پژوهش»، «ترویج و تسهیل گفتگو و تبادل نظر»، «پیوند دادن، شبکه‌سازی و دفاع از موضوع»، و «افزایش ظرفیت». همچنین، مصادیق نهادی این کارکردها بر حسب معیارهایی چون نحوه تأمین مالی و موقعیت بازیگران آنها نسبت به دولت، به خودی و غیرخودی قابل دسته‌بندی است.

از آنجا که در ایران، ارتباط میان عرصه پژوهش و خط‌مشی به تبع چالش‌های ارتباط دانشگاه و دولت، هنوز در آغاز راه است، توجه به این گونه‌شناسی‌های جامع، زمینه را برای آشنایی هر چه بهتر فعالان هر دو عرصه برای ایجاد و توسعه چنین نهادهای واسطه‌ای و مشاوره‌ای، بسیار هموار خواهد ساخت و به وسعت دید و افق کار ایشان به مراتب خواهد افزود. همچنین نهادهای موجود و فعال نظیر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا مراکز پژوهشی و دانشگاهی متناظر (مانند مراکز خط‌مشی‌پژوهی در دانشگاه‌ها)، نیز می‌توانند با شناسایی کارکردها و نهادهای متنوع واسطه‌ای معرفی شده، نقش خود را در اثرگذاری در فرآیند خط‌مشی‌گذاری کشور بهتر بازابند. در مجموع، شناخت انواع تأثیرات نهان و آشکار ناشی از تعامل پژوهش با خط‌مشی بر تصمیم‌گیری‌ها و همچنین نحوه شکل‌گیری، بلوغ و در نهایت به سرانجام رسیدن آنها در حوزه خط‌مشی‌های عمومی، موضوعی است در خور پژوهش بیشتر در کشور که فهم آن توسط بازیگران هر دو عرصه، باعث غنای هر چه بیشتر خط‌مشی‌ها و تصمیمات سیاسی نیز خواهد شد.

## منابع

### الف) فارسی

- ۱- حسن پور، آ.، ربانی، ع.، (۱۳۹۳)، نقد مطالعات گونه‌شناسی دینداری و ارائه چارچوبی نو، راهبرد فرهنگ، ش ۲۸: صص ۶۱-۸۹
- ۲- حمیدی‌زاده، ع.، قلی‌پور، ر.، (۱۳۹۳)، نگاشت مفهومی و اعتباریابی مدل عوامل مؤثر بر به کارگیری سیاست‌پژوهی در سیاست‌گذاری، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۲، ش ۴: صص ۷۸۷-۸۰۸

- ۳- ذوالفقارزاده، م.، امیری، ع.، زارعی متین، ح.، (۱۳۹۰)، کشف فرهنگ دانشگاه: واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۹: صص ۴۵-۹۷.
- ۴- صادقی فسایی، س.، عرفان‌منش، ا.، (۱۳۹۴)، مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، راهبرد فرهنگ، ش ۲۹: صص ۶۲-۹۱.
- ۵- قلی‌پور، ر.، پورسید، ب.، حمیدی‌زاده، ع.، امیری، ع.، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر سیاست‌پژوهی در فضای خط‌مشی‌گذاری (مطالعه موردی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۲، ش ۴: صص ۱۲۷-۱۴۴).
- ۶- کبیری، م.، (۱۳۸۶)، بررسی و مقایسه دیدگاه سطوح استفاده‌کننده از نتایج پژوهشی نسبت به مدل‌های کاریست، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، ش ۱۶، صص ۵۹-۳۶.
- ۷- کبیری، م.، (۱۳۸۸)، مدل‌های کاریست یافته‌های پژوهشی و نقش آنها در مدیریت پژوهشی؛ به مثابه یک حوزه میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره اول، ش ۴، صص ۱۶۸-۱۴۷.
- ۸- لطیفی، م.، (۱۳۸۸)، بازپردازی مفهوم نظم و انضباط در سازمان (رویکردی اسلامی)، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۹- نامداریان، ل.، (۱۳۹۵)، بررسی و تبیین کاربردپذیری نتایج پژوهشی در سیاستگذاری: پلی میان نظر و عمل، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۱۷.

## (ب) انگلیسی

- 10- Abderrahmane, M. (2005), *RESEARCH-POLICY LINK(AGE)*. UNESCO Social and Human Sciences Documentation Centre.
- 11- Abderrahmane, P. b. (n.d.). *RESEARCH-POLICY LINK(AGE)*. UNESCO Social and Human Sciences Documentation Centre.
- 12- Albæk, E. (1995), *Between knowledge and power: Utilization of social science in public policy making*. (1)28.
- 13- Albæk, E. (1995), *Between knowledge and power: Utilization of social science in public policy making*. 28(1).
- 14- Australia, L. &. (2006), *Knowledge for Regional NRM: Connecting Researchers and Practitioners*. Canberra: Land & Water Australia.
- 15- Banks, G. (2015), *Could Academic Research Be More Policy Influential ?Public Administration Review*.34-33 ,
- 16- Campbell, A. (2006). *Knowledge for Regional NRM: Connecting Researchers and Practitioners*. Canberra: Land & Water Australia.
- 17- Caplan, N. (1975), *The Use of Social Science Knowledge in Policy Decisions at the National Level: A Report to Respondents*. Michigan: Publications Office, Institute for Social Research, University of Michigan.
- 18- Caplan, N. (1979), *The Two-Communities Theory and Knowledge Utilization*. 22(3).
- 19- Colin J. Bennett, & Michael Howlett. (1992), *The lessons of learning: Reconciling theories of policy learning and policy change*. 25(3).
- 20- Dobuzjnskis, L., Howlett, M & Laycock, D. (2005), *Policy Analysis in Canada: The State of the Art*. Toronto : University of Toronto Press.
- 21- Engels, A. (2005), *The Science-Policy Interface. Integrated Assessment*.
- 22- Fisher, C. , & Vogel, I. (2008), *Locating the Power of In-between: How Research Brokers and Intermediaries Support Evidenced-based Pro-poor Policy and Practice*. London: IDS.
- 23- Fisher, C. (2010), *Knowledge Brokering and Intermediary concepts*. Impact and Learning Team, Institute of Development Studies.
- 24- Fisher, C. (2010), *Knowledge Brokering and Intermediary Concepts: Analysis of an E-discussion on the Knowledge Broker's Forum*. Publisher Unknown.
- 25- Fisher, C & Kunaratnam, Y. (2007), *Between Ourselves: the New Generation of Information & Knowledge Intermediaries .notes from the ' Intermediary Workshop: Summarisers, Singposters and Synthesiser.'*
- 26- Gregrich, R. (2003), *A note to researchers: Communicating science to policy makers and practitioners*. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 233-237.
- 27- Grundmann, R., & Stehr, N. (2012), *The Power of Scientific Knowledge: From Research to Public Policy*. New York: cambridge university press.

- 28- Gunter, H. M., David, H & Colin, M. (2015), *Consultants, consultancy and consultocracy in education policymaking in England*. *Journal of Education Policy*. 540-518.
- 29- Hind, E. (2013), *Independent Review of Supply Side Organisations and Government Intermediaries. The Australia-Indonesia Partnership for Pro-Poor Policy: the Knowledge Sector Initiative*.
- 30- Hitchman, K. G. (2010), *Organizational structure and functions within intermediary organizations*. Waterloo: Canadian Water Network.
- 31- Honig, M. I. (2004), *The New Middle Management: Intermediary Organizations in Education Policy Implementation*. *Educational Evaluation and Policy Analysis*. 87-65.
- 32- Hoppe, R. (2009), *Scientific advice and public policy: expert advisers' and policymakers' discourses on boundary work*. 6.
- 33- Hoppe, R. (2010), *From "knowledge use" towards "boundary work": sketch of an emerging new agenda for inquiry into science-policy interaction*.
- 34- Howells, J. (2006), *Intermediation and the role of intermediaries in innovation*. *Research Policy*. 728-715.
- 35- Howlett, M., & Joshua Newman, (2010), *Policy analysis and policy work in federal systems: Policy advice and its contribution to evidence-based policy-making in multi-level governance systems*. *Policy and Society*, 123-136.
- 36- Jones, H., Jones, N, & Datta, A. (2009), *Knowledge, Policy and Power: Six Dimensions of the Knowledge-Development Interface*. London: ODI Report.
- 37- Klerkx, L & Leeuwis, C. (2009), *Establishment and embedding of innovation brokers at different innovation system levels: Insights from the Dutch agricultural sector*. *Technological Forecasting & Social Change*. 860-849.
- 38- Lentsch, J., & Weingart, P. (2011), *The Politics of Scientific Advice: Institutional Design for Quality Assurance*. New York: Cambridge University Press.
- 39- Lindquist, E. A. (2001), *Discerning Policy Influence: Framework for a Strategic Evaluation of IDRC-Supported Research*.
- 40- Loewenson, D. R. (2010), *Connecting the streams: Using health systems research knowledge in low- and middle-income countries*. montreux, switzerland: First Global Symposium on Health Systems Research.
- 41- MAASEN, S., & WEINGART, P. (2005), *DEMOCRATIZATION OF EXPERTISE? Exploring Novel Forms of Scientific Advice in Political Decision-Making*. Dordrecht, The Netherlands: Springer.
- 42- Magnuszewski, P., Sodomkova, K., Slob, A., & Muro, M. (2010), *Policy Science Interactions: connecting science and policy. Report on conceptual framework for science-policy barriers and bridges*. Project report from PSI-connect.
- 43- Martin, S. (2016), *Practical Approaches to Increasing the Utilization of Research*. *Public Administration Review*, 19-18.
- 44- Michaels, S. (2009), *Matching Knowledge Brokering strategies to environmental policy problems and settings*. 12.
- 45- Michaels, S. (2009), *Matching Knowledge Brokering Strategies to Environmental Policy Problems and Settings*. *Environmental Science & Policy*, 994-1011.
- 46- Newman, J., Cherney, A & Head, B. W. (2016), *Do Policy Makers Use Academic Research? Reexamining the "Two Communities" Theory of Research Utilization*, *Public Administration Review*, 24-36.
- 47- Owens, S., & Rayner, T. (1999), *When knowledge matters': the role and influence of the Royal Commission on Environmental Pollution*. 1(1).
- 48- Pielke, Jr., R. (2007), *The Honest Broker: MAKING SENSE OF SCIENCE IN POLICY AND POLITICS*. New York: Cambridge University Press.
- 49- Sabatier, P. (1988), *An Advocacy Coalition Framework of Policy Change and the Role of Policy-oriented Learning Therein*. 21.
- 50- Sapsed, J., Grantham, A & DeFillipi, R. (2007), *A bridge over troubled waters: bridging organisations and entrepreneurial opportunities in emerging sectors*. *Research Policy*. 1334-1314.
- 51- Shaxson & Gwynn. (2010), *Developing a strategy for knowledge translation and brokering in public policymaking*. Montreal, Canada: Knowledge Translation and Brokering workshop.
- 52- Shaxson, & Gwynn. (2010), *Developing a strategy for knowledge translation and brokering in public policymaking*. Montreal, Canada: Knowledge Translation and Brokering workshop.
- 53- Stone, D., Maxwell, S., & Keating, M. (2001), *Bridging Research and Policy*. Warwick University: An International Workshop Funded by the UK Department for International Development.
- 54- van Kammer, J., Savigy, D., & Sewankambo, N. (2006), *Using Knowledge Brokering to Promote Evidence-based Policy-making: the Need for Support Structures*. *Bulletin of the World Health Organisation*.
- 55- Vas, C. B. (2012), *TRANSFORMING THINK TANKS INTO 'POLICY HUBS': THE CREATION OF RESEARCH-POLICY NETWORKS*. School of Politics and International Relations: the Australian National University.

- 56- Ward, V., House, A., & Hamer, S. (2009), *Knowledge Brokering: the Missing Link in the Evidence to Action Chain?*. *Evid Policy*, 267-279.
- 57- Weaver, K & Stares, P. (2001), *Guidance for Governance: Comparing Alternative Sources of Public Policy Advice*. Tokyo: Japan Center for International Exchange.
- 58- Weiss, C. H. (1979), *The Many Meanings of Research Utilization*. 39(5).
- 59- Wolfe, R. (2006), *Changing Conceptions of Intermediaries in Development Processes: Challenging the Modernist View of Knowledge, Communication and Social Change*. IDS Knowledge Services.
- 62- Young, J. (2005), *Bridging Research and Policy: The RAPID approach African Economic Research Institutions and Policy Development: Opportunities and Challenges* .Dakar,: Overseas Development Institute (ODI).